

## از فیزیک تا خدا

۸. و اما آن فیزیکدان عارف مسلک مجاهد در خصوص نقطه یا نقاط وصل یا فصل «فیزیک» و «متافیزیک»، تئوری‌های متنوعی را قابل بررسی می‌دانست. در دهه ۶۰ در جبهه کردستان، هم می‌جنگید و هم برای هم‌زمانش، نشست «حافظ خوانی» داشت؛ انس همزمان با شعر و با فیزیک، طرفه بود.

در مورد خداوند، معتقد به ضعف ذاتی، نه تنها در زبان فیزیک، بلکه در دستگاه زبان متافیزیک‌های بشری و غیروحیانی بود. می‌گفت منطقاً باید به زبان خود خداوند و پیام‌آوران و سخنگویان و مفسران ائمه معصومین (ع) متوسل شد. خداوند از ذرات تشکیل نشده که هر ذره آن در موجودی از موجودات عالم باشد. شیفته مرزبندی امیرالمؤمنین (ع) در نفی «مباینیت» و «ممازجت» اشیا با خداوند و معتقد به امکان تأثیرگذاری چنین مفاهیمی نه فقط در «علم متافیزیک» بلکه در پایه‌های بنیادین فیزیک اشیا بود.

گرچه خداوند همه جا با همه وجود، حاضر و ناظر است و جا، مکان و حرکت ندارد تا موضوع فیزیک باشد. خداوند در مورد صفات خود تعبیراتی ویژه و توفیقی اما قابل تعقل و قابل شهود دارد. جبروت او همه چیز را پر کرده، علم او به همه چیز تعلق دارد. به انسان، نزدیک‌تر از خود او به خودش، و از رگ گردنش است، دیده نخواهد شد اما دور نیست.

او به ما نزدیک است و ما از او دور! و این (دوری در عین نزدیکی)، چه دامنه مفهومی در نسبت‌های هستی با ما دارد؟ و فیزیک چه نقشی در معرفه‌الله می‌تواند داشته باشد؟ او که در گوش روح ما مدام نجوا می‌کند آنگاه که بندگان من، هرکس، هر وقت، هر جا مرا بخوانند، بگو من بسیار نزدیک هستم، نه کنارشان، بلکه «با ایشان» (معهم)

”

ایشان می‌گویند  
برای من جالب  
است که میان  
نسبیت اینشتین  
و آنچه جناب  
ملاصدرا سه قرن  
قبل از اینشتین  
و همزمان با  
نیوتن، با زبان  
فلسفی استنباط  
و طرح کرده چه  
نسبتی دارد وقتی  
می‌گوید برای هر  
حرکتی، زمانی ویژه  
همان متحرک  
است؟

هستم، صدایشان را می‌شنوم  
و دعایشان را اجابت می‌کنم... و  
چنین بود که دعای حاج محسن،  
شنیده شد، اجابت شد، شهید  
شد و با پیکری خونین به دیدار  
(خدای متافیزیک و فیزیک  
هستی) رفت.

«خون نامه» شهید پیشرفت  
و تمدن‌سازی برای «ایران قوی»

۹. این خون‌نامه را می‌توان ادامه داد اما در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.

شخصیتی که چهل سال منتظر شهادت و بیست سال، منتظر ترور بوده است، صدایش در نیامده و دستی در بیت‌المال نبرده است.

از ابتدای تأسیس سپاه، در جبهه غرب و جنوب، پاسداری مشهور به روحیه عرفانی و مأنوس با شعر و ادبیات و علاقه‌مند به فیزیک و ریاضیات بوده و از سال‌های دفاع مقدس تا لحظه

